

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

عبه سید مرادی

برگرفته از فصل نامه رها شماره

رفقای کارگر!

خوانندگان گرامی: مقاله ای را که مطالعه می کنید حاصل تلاش رفیق عبه سید مرادی در سالهای 1366 و 1367 در کردستان، و از منبع موثق تهیه شده که چندین سال از آن می گذرد ولی مطالعه مختصر تاریخ کارگری برای ما ارزشمند و قابل ارج است. و بنا به همین دلیل هرکسی در این راه تحقیقاتی انجام داده است ما از آن استقبال می کنیم و در نشریه رها در صورت لازم و تکمیل تاریخ مبارزات کارگران، برای آگاهی خوانندگان رها قطعاً آن را درج می کنیم

.....

این نوشته سعی دارد تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج، ایجاد مراکز و موسسات متنوع دولتی و خصوصی زندگی و مبارزه کارگران ترسیم کند.

با تمامی کمبودهایی که این نوشته با خود دارد اما چون از این نوع نوشته کم در دسترس کارگران بوده و اهمیتی که شهر سنندج از لحاظ تمرکز کارگران و نقش پیشرو کارگران سنندج در تحركات کارگری بعد از قیام و بخصوص 3-4 سال اخیر در ایران داشته است، و همچنین کارگران کمونیست و پیشرو با دسترسی به جزوات از این دست، انتظار می رود که خود مفصل تر در این عرصه هم دست بکار شوند.

- ما اطلاعات مبارزات کارگران سالهای قبل از قیام را در دسترس نداشتیم و در نوشته نیامده و مبارزات بعد از قیام هم در مواردی که در جدول میاید کل مبارزات کارگران نیست و بررسی ما هم به جزء جزء این اکسیونها نمیپردازد.

- در این نوشته تاریخچه بررسی کارگران را به دوره های زیر تقسیم کرده ایم:

1- دوره اول، قبل از اصلاحات ارضی نیمه دوم دهه 30 تا دهه 40

2- دوره دوم، اصلاحات ارضی تا قیام 57

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

3- دوره سوم ، بعد از قیام 57 تا 59

4- دوره چهارم ، از سال 59 تا 67

سالهای قبل از اصلاحات ارضی و دهه های 30 در ایران هنوز روابط و مناسبات فئودالی و ارباب رعیتی در ایران حاکم بود ، در کردستان هم نیاز و تولیدات جامعه را ان مناسبات ارباب رعیتی و تولیدات روستا بیشتر تامین میکرد.

سالهای نیمه دوم دهه 30 یعنی سال 1335 جمع کارگران اولیه شهر سنندج در رشنه و صنفهای متعددی مشغول بکار بودند ، طبقات دارا ، ملاکین و ثروتمندان بخش مهمی از ان تولیدات را به خود اختصاص میدادند.

رشته های مختلف در این عصر و در این دهه در شهر سنندج عبارت بود از ، نانوایی ها ، کوره پز خانه ها ، سنگبریها ، معادن مختلف سنگ و کارگران ساختمانی ، نجاریها ، کارگران شهرداری و رفتگرها ، اهنگران ، کارگران کفاش ، شرکت نفت سنندج - اب و برق - دخانیات - نساجی و قالیبافیها و.....

اگر بخواهیم کار مزدی را پیدا کنیم و کارگران رابیینیم، در شهر سنندج در رشته های تولیدی فوق به عیان دیده میشوند

وقتی تاریخ هرکدام از این صنفها را بررسی کنیم میتوان وارد بررسی مفصل شد ولی با هر کمیت و کیفیتی که مشخصه کارمزدی در سنندج بود و تقابلی که در این رابطه ها بود این ویژگیهای مشترک را میتوان اینطور دید:

یکی حاکم بودن روابط استاد - شاگردی در محیط کار و در بین صاحبکار و فروشنده نیروی کاراست ، دیگری هم عدم ظوابط کار قانونی و نبودن هیچ نوع ظوابطی بر سر شرایط کار و دستمزدها ، میتوان گفت ملاک ساعت کار ان بود که وقتی هوا روشن میشود نت بخشی از شب کارگر کار میکرد ، کار مزدی و کارگر سنندجی مشخصاتی این چنین داشت.

دستمزدها از یک تومان تا 25 ریال بود این 25 ریال در موارد کمی برای کارگران فنی و ماهر بود مثلا در کار ساختمانی مانند بناها یا کارگری که در یک نجاری کار میکرد و خودش صاحب کار نبود ولی چند نفر دیگر کارگر را مینوانست در پروسه تولید سرپرستی کند.

بخش بزرگی از تولیدات در شهر سنندج برای رفع نیازمندی ثروتمندان و ملاکین مختلف شهر بود که بیشتر در صنایع چوبی بودند مانند جعبه های چوبی و عصا و تخته نرد و شطرنج چوبی ، ریسندگی و قالیچه های زینتی که ثروتمندان بیشتر خریدار ان بودند.

مهمترین صنفهای کارگری ان موقع از لحاظ تجمع و سوخت و ساز روابط کارگری کوره پز خانه ها بودند که شش کوره بودند 1- کوره پز خانه سیامک خان اردلان با به نام هوفمان 2- کوره میرزا باقر ادب 3- کوره سید احمد نجفی 4- کوره استاد احمد 5- کوره صالح فرهاد ابادی 6- کوره یحچالی - تعداد کارگران کوره 30 تا 50 نفر بودند ساعت کار متوسط کوره پز خانه ها 14 ساعت کار بود کار

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

کوره ها فصلی بود و نمی توانستند تمام فصلهای سال کار بکنند کارگران کوره نوعی وابستگی به صاحبان کوره داشتند و مثلا برای فصل پاییز و زمستان صاحبان کوره به کارگران وام میدادند.

هنوز میتوان گفت شهر سنندج چهره فرهنگ و مناسبات و اخلاقیات دوران فئودالی را داشت ، مشخصات شهر نشینی آن دوره هنوز روابط فئودالی مهر خود را بر آن میزد و اینها در روابط بین کارگران و صاحب کار و در مطالبات و تقابل ها تاثیر خاص خود را داشت.

اصلاحات ارضی و دهه 40 و خلع ید دهقانان

وقتی وارد دهه 40 میشویم ، چهره اجتماعی شهر سنندج تغییر میکند . اصلاحات ارضی گام به گام و ده به ده پیش میرود و دهقانان را خلع ید میکند و بی زمین میکند این نیاز سرمایه بود که دهقان بی زمین روانه شهر و مراکز کار بشود ، سرمایه هم برای این خلع ید شدگان جا خوش میکند . بعد از اصلاحات ارضی هزاران دهقان چم شاری ، ژاورودی و لیلخ و بخشی هم سارال به روابط کالایی کشیده می شوند و روانه شهر ها میشوند . شهر سنندج در نیمه دهه 40 نمی توانست طبق نیاز سرمایه آن حد از دهقانان خلع ید شده را که به بازار کار می آمدند به کار به گمارد.

کارگران به شکل وسیع به شهرهای خارج از کردستان میروند مانند شهرهای تهران ، اصفهان ، تبریز و بنادر جنوب - بخشی دیگر به کشورهای هم جوار ایران مانند عراق - کویت - ترکیه - بخشی دیگر هم در خود شهر سنندج جذب بازار کار شدند . اشاره مختصری به هر کدام از این بخشها می کنیم:

کارگران مهاجری که در شهرهای خارج از کردستان کار میکردند

بخش زیادی از کارگران که دهقانان خلع ید شده بودند زن و بچه خود را جا گذاشته و برای ماههایی از سال به طرف شهرهای دیگر ایران می رفتند و در مکانهایی مانند شرکت ساختمانی و راه سازی و حمل بار در بنادر جنوب و درون کشتیها و چلوکبابیها و تعداد کمی هم در قسمتهای صنعتی بودند ، کار میکردند.

خصوصیات این جمع از کارگران ، اینها در دسته های 30 تا 50 نفره با روابط نزدیک طایفه ای در روستا و یا جمعهایی که در روستاهایشان در جوار یکدیگر بود ، به طرف شهرها حرکت میکردند ، در این رابطه که دهقان مناسبات روستا را به جا گذاشته بود و تسلطی که بر محیط قبلی داشت آن را از دست میداد و با چهره تازه و نوع زندگی تازه روبرو میشدند و در این رابطه و در بین این جمعها افرادی بعنوان راهنما و صاحب نظر رو میاید مثلا جمع 50 نفری به یک شرکت مراجعه میکردند و در بین این جمع یک یا چند نفر با صاحب کار قرار داد می بست و چک و چانه میزد و در پروسه

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

کار هم نیازهای جمعی کارگران معمولا از زبان این افراد بروز پیدا میکرد ، بهر حال این یک نیاز اجتماعی بود که دهقان دیروزی و کارگر امروزی حق طلبیش را باید بیان کند و ان را به نوعی بروز دهد و این افراد معتبر و شناخته شده حاصل این نیاز مبارزاتی اجتماعی بود.

این بخش از کارگران در روابط کاری و نزدیک جغرافیایی با مراکز صنعتی و خارج قرار می گیرند و در این دوره کارگران مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ ایران مطالبات و خواستها و سنتهای مبارزاتی خودشان را داشتند و کارگران کرد هم با درجاتی و در سطحهای مختلف از مطالبات و سنتهای مبارزاتی کارگران تاثیر میگرفتند و کارگران در محل کار میدیدند که کار حدوالثغور معینی دارد و زندگی نزدیک کارگران سنندج با این مراکز به تقابل بین کارگران و صاحبان کار افقهای تازه ای میداد و در دوره های بعد کارگران متوقع تر از دوره و یا سال قبل با کارفرما و یا صاحب کار وارد قرار داد و یا چک و چانه زدن میشدند.

به هر حال این کارگران در دل این مطالبات و کار در جامعه تازه و مدنیت شهری آشنا میشوند ولی به دلیل اینکه سطح معیشت پایین دارند و ناامنی کار مشخصه کارشان است و سطح دستمزدشان پایین است و فقر مطلق و ناآگاهی در این دوره های اولیه در میان این کارگران به چشم میخورد میتوان گفت سطح توقع پایین در بین این کارگران جمعهای اعتصاب شکن در ان دوره در جنبش کارگری یا حرکتی کارگری در میان این کارگران پیدا میشوند و این جنبه منفی چهره این جمع از ان بخش کارگران مهاجر بود . و البته این خصیصه کارگران مهاجر تازه به بازار کار کشیده می شوند هنوز به حق و حقوق و مطالباتشان آشنا نیستند ، (نمونه امروز افغانیها)

کارگران مهاجری که به کشورهای همجوار مانند عراق – کویت و ترکیه می رفتند

تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران شهر و روستاهای شهر سنندج کیلومترها راه و بیراهه و از مرز گذشتن و تقبل خطراتی را پشت سر گذاشتن به کشورهای همجوار مسافرت میکردند.

این کارگران در بنادر و درون کشتیها – ابیاری و درو و کتیرا کندن ، واکسی و تعمیرکفش و چلوکبابیها و کارهای خدماتی و ارداری و بخش کمی در پالایشگاه نفت کرکوک کار میکردند ، تعداد کارگرانی که از مرز ایران میگذشتند بیشتر به عراق میرفتند که در زیر اشاره ای به کار و زندگی این کارگران میکنیم:

کارگرانی که در کار کشاورزی و ابیاری و درو کردن و کتیرا کندن مشغول بودند بیشتر از کارگران ژاورودی بودند و در اطراف سلیمانیه و دشت شاره زور کار میکردند ، ان بخش دیگر کارگران به شهرهای عرب نشین می رفتند و در شهرهایی مانند بغداد ، کربلا ، کاظمین کار میکردند این کارگران با جامعه و مدنیت شهری آشنا میشدند فرقی که این کارگران با کارگران مهاجری که به شهرهای دیگر ایران میرفتند ، میتوان گفت این بود که این کارگران مجبور بودند بیشتر از یکسال در عراق ماندگار شوند و بعضا هم بودند که تا چهار سال ماندگار میشدند ، با زبان عربی آشنایی پیدا

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

میکردند و اکثرا هم به آن تسلط پیدا میکردند به شیوه ای که هنگام بازگشتن به ایران و تعقیب اخبار و گوش دادن به رادیو بیشتر عربی گوش میدادند تا فارسی.

دلایل ماندگاری طولانی مدت این کارگران در کشورهای همجوار بیشتر این بود که اولاً ناامنی شغلی و نبودن کار و ناامنی و رفت و آمد در مرز که تردد اسان نبود کارگران مجبور بودند که هنگام عبور از مرز راهنما بگیرند و پول زیادی به راهنما میدادند و بارها پیش میامد که گیر پلیس و ماموران مرزی ایران و کشورهای همجوار می افتادند و پولهایشان را در ازای ازادیشان میگرفتند و یا ساواک آنها را دستگیر میکرد و به ازار آنها میپرداخت.

ان تعداد ار کارگران مخصوصا ژاورود که برای کتیرا کندن میامدند امرار معاش آنها خیلی سخت بود جزء کم درامدترین بخشها بودند و در شهر سنندج در سال چند ماه هم کارشان گیر نمیامد و مجبور بودند زن و بچه شان را جا بگذارند و برای اینکه خانواده شان از گرسنگی نمیرند از تا جران شهر وام میگرفتند و هنگام کار میدانستند که حاصل کار از ان خودشان نمیشود و باید به تاجر و ثروتمندان قرض بپردازند.

این مهاجرتها به کشورهای همجوار تا یک دهه کامل میتوانیم بگویم ادامه داشت تا دهه 50 و سال 51 و 52 که به انتها رسید و دلایل ان یکی رونق اقتصادی در ایران ، پیدا شدن بازار کار وسیع و دلیل دیگر سیاستهای کشورهای همجوار بخصوص عراق که ایرانیان را سوق (بازگشت) میداد.

کارگرانی که در شهر سنندج جذب بازار کار شدند

کارگرانی که در شهر سنندج میماندند و کار پیدا میکردند و عموماً در صنایع زیر ساختمانی که نیاز ان دوره سرمایه بود ، کار میکردند مانند شهر سازی – جاده سازی مثل جاده کمربندی پادگان به فرودگاه جاده حسن اباد – اسفالت بعضی از خیابانهای شهر ، این دوران امین ازاد استاندار سنندج بود بهر حال در این دوره بخشی از کارگران شهر و روستا در صنایع زیر ساختمانی مشغول به کار شدند .

دستمزد این کارگران در ان هنگام (نیمه دوم دهه چهل) 2 تا 4 تومان بود شرکتهای ساختمانی و راهسازی و مخصوصا جاده کمربندی پادگان به فرودگاه و جاده شهر به حسن اباد قسمتی از دستمزدشان به صورت کالا و بیشتر ارد و روغن میپرداختند – در این وقت در سالهای 45 بود که به شیوه ای ضعیف در اواخر این سالها برخی ضوابط بر سر کارها پیدا شد و خود را مطرح میکرد و کم کم کارگران یا صاحبان کار بر سر دستمزدها و ساعت کار و غذا هنگام کار سرو کله میزدند بدون اینکه موفقیت چشمگیری را به دست آورند.

مختصری از سیمای شهر سنندج در قبل و بعد از اصلاحات ارضی

شهر سنندج تا مقطع اصلاحات ارضی جمعیتی بالغ بر 50 تا 60 هزار نفر داشت ، شهری که همان چهره دوران فنودالی – دهقانی را داشت ناتمام فرهنگ و اخلاقیات آن دوره شهری کوچک بود بیشتر شهروندان به مسائل یکدیگر آشنا بودند هر حادثه ای چه تلخ و چه شیرین که اتفاق می افتاد اول شهر تا انتهای شهر همه در عرض نیم روز می فهمیدند ، پیاده روها و خیابانها خلوت بود و بچه ها با خیال راحت و بدون ترس از ماشین در خیابان بازی میکردند هر عابری با خیال راحت بدون توجه به سمت چپ و راست از عرض خیابان میگذشت.

نیمه دوم دهه چهل تا نیمه اول دهه پنجاه یعنی سال 45 تا 55 این مشخصات دگرگون میشود طی این فاصله حرکتیهایی انجام میگردد شهر میرفت تا چهره کامل سرمایه داری بر آن مسلط شود ، محلات تازه از نتیجه محاجرتها محلات قدیمی را به محاصره در میاوردند این محلات عبارت بودند از کورآباد – فیض آباد – سپور آباد – شریف آباد – کلکه جارو و ... آمدن این جمع از انسانها جامعه شهری و چهره شهر را دگرگون میکرد نیازمندیهای کاری و تولیدی و مصرفی شهر بالا میرفت بخاطر این وسعت در رشته های مختلف که هم کار در آن پیدا میشد و هم به شهر وسعت میداد خودش را نشان میداد . میتوان گفت در درجه اول نانوآخانه ها تعدادشان بالا میرفت حمامها – ادارات دولتی با تابلوهای رنگارنگ و اسم های خارجی ، بانکها ، مکانیکها ، تعویض روغنی ، دروپنجره سازی ، جوشکاری و پیدا شدن پاتوقها و قهوه خانه ها و محل و میدان ، کار ساختمانی گسترش سازمان اب و برق ، پمپ بنزین ، و پیدا میشدند.

خلاصه جمعیت دهها هزار نفری که به طرف شهرها روی می آوردند چهره شهر را به تمامی عوض میکرد خیابانها شلوغ میشد آن دوران بی رمقی و کم تحرکی و خلوتی خود را از دست میداد در سالهای 45 تا 55 تراکم و ترافیک ماشین بحدی میرسید که هر عابری براحتی نمی تواند بدون اینکه چپ و راست خود را کنترل کند از خیابان عبور کند و پاسبانها با زحمت و سوت کشدن و ایست دادن به ماشین ها میتوانند انبوه انسانها را از چهار راهها عبور دهند دهقان خلع ید شده در این دوره دست از شکایت بر میدارد و خود را قانع میکند که باید از روستا دست بردارد و در شهر ماندگار شود و تنها فروش نیروی کارش وی را از گرسنگی نجات میدهد و هر چه حاصل نیروی کارش است امروز بدست میاورد فردا آن را میخورد ، آن روابط انسان دوستی و نزدیکی صمیمانه روستایی جای خود را به انفراد انسانی میدهد که جامعه ای وحشی و خشن آن را به بار آورده است قوی ضعیف را استثمار میکند ، انبوه انسانها در کوچه ها و خیابانها از کنار هم میگذرند بدون اینکه آن نزدیکی انسانی و اجتماعی را از خودشان بروز دهند.

وضعیت زندگی کارگری امروزی بکلی نامطمئن بود دوران استاد و شاگردی و روابط پدر سالاری در بین کارگرو کارفرما نمی ماند و انهایی که در اثر اصلاحات ارضی و سالهای بعد از آن به صف کارگران رانده نشده اند و ورشکست نشده اند در این دوران کارگران زیادتری را در زیر سقفی جمع کرده اند و خود دیگر کار نمیکنند.

دوران استانداری رئوفی تا علیزاده پروژه هایی در سطح های مختلف از جمله سد قشلاق و ساختن و شروع کار جاده همدان – سنندج – دانشگاه فیض آباد – بیمارستان 200 تختخوابی – ساختمان

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

ساواک - درست کردن بلوار - تعمیرخیابانها - درست کردن سینما شهر فرنگ - پاساژ های متعدد و بزرگ و این پروژه های کار هزاران کارگر را در خود جای میداد و کارگران وارد تقابل با سرمایه میشدند.

در این دوران اینها نشانه هایی از تحول جدی بود که با شروع دهه چهل بخصوص از نیمه دهه چهل به این طرف عظیمترین تحول اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در ایران و به طبع آن در کردستان و در شهر سنندج روی داد در این دوران نقش و وزن طبقه کارگر در کل مناسبات تولیدی و اجتماعی انقدر پدیدار میشود که هر تغییر و تحول که انجام میگردد بستگی به مناسبات و توازن قوای این دو طبقه اصلی در جامعه داشت.

قیام سال 57 و کارگران سنندج ، مبارزات و تشکلهای کارگری در سالهای 57 تا 59

بعد از قیام بهمن سال 57 و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ، بحران اقتصادی ایران همچنان عمیق تر ادامه یافت همچنین با سقوط شاه تناسب قوای مساعدی از لحاظ سیاسی برای توده های کارگر و زحمتکش بوجود آمد.

تداوم و تشدید بحران اقتصادی سرمایه داری ایران بعد از قیام به تعطیل شدن بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی انجامید . بسیاری از پروژه های راه سازی و ساختمان سازی و کلا طرحهای عمرانی در سراسر کشور متوقف و یا معلق ماند و تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران به خیل میلیونی بیکاران پیوستند.

این اوضاع در کردستان با ابعاد به مراتب بزرگتری خود را نشان داد کارگران کردستان بطور فزاینده ای به صف بیکاران رانده شده و پایین ترین سطح معیشت را به آنان تحمیل میکردند بسیاری از کارگران فصلی و مهاجر که در شرکتهای ساختمانی و سایر مراکز کار خارج از کردستان کار میکردند، بیکار شده و به کردستان بازگشته در خود کردستان هم ان بازار کار اساسا وجود نداشت تا جذب ان شوند.

در سنندج هم جدا از اینکه هزاران کارگر فصلی به علت بسته شدن و معلق ماندن کارهای ساختمان سازی و مراکز کار خارج از کردستان به سنندج و به میان خانواده خود بازگشته بودند دهها شرکت ساختمانی و راه سازی و طرحهای عمرانی و تعطیل شدن پروژه جاده سازی مسیر سنندج - سد قشلاق کارگران شرکتهای ماد - سایبر - اسال اولر - میکا و تعطیل شده بود و اکثرا از یک سال هم میگذشت در اکثر این شرکتهای بخشی از دستمزد کارگران پرداخت نشده بود.

بنابر این کارگران با مسئله حیاتی تامین معیشت خود و خانواده شان مواجه شده بودند و این تامین معیشت به شکل مطالبات معینی مانند بیمه بیکاری ، حق اشتغال ، و پرداخت حقوق معوقه ، وام بیکاری مطرح و کارگران ان را در مقابل دولت و کار فرمایان قرار دادند.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

در ضمن مطالبات مربوط به کارگران شاغل از قبیل : 8 ساعت کار - بیمه درمانی - تعطیل هفتگی - افزایش دستمزد و ... مطرح شده و کارگران برای این مطالبات حرکت‌هایی کردند که در زیر مختصر اشاره ای به آن می کنیم:

در اواخر اسفند سال 57 ، چند روز مانده به نوروز 58 نزدیک به 150 نفر از کارگران شهرداری سنندج برای کسب حقوق عقب افتاده 3 ماهه شان در سالن شهرداری دست به تحصن زده و اعلام کردند تا حقوقشان پرداخت نشود به سر کار باز نخواهند گشت . با اعلام تحصن کارگران شهرداری ، کارگران سایر مراکز شهر ، شورای محلات ، شورای دانش آموزی و دیگر نهادهای دموکراتیک و انقلابی وقت با صدور اطلاعیه ها و فرستادن نماینده از مبارزه آنان پشتیبانی کردند . کمیته انقلاب اسلامی که از تحصن کارگران شهرداری و اعلام حمایت سایر کارگران و نهادهای دموکراتیک از آنان به وحشت افتاده بود ، برای ممانعت از گسترش مبارزه کارگران نماینده ای از مرتجعین وابسته به کمیته مفتی زاده را برای به سازش کشاندن کارگران به تحصن آنان فرستاد ، نماینده کمیته ، کارگران را به صبر و شکیبایی دعوت کرد و خطاب به کارگران متحصن گفت:

چه عجله ای دارید برای گرفتن حقوقتان ، انقلابی شده و باید همه چیز را از نو ساخت و این احتیاج به زمان دارد . باید پله به پله بالا رفت ، پی ساختمان را ما از اول می سازیم و این درست نیست که شما از پله او به پله آخر پریده اید . دست از تحصن بردارید و به سر کارهایتان برگردید من هم از طرف کمیته انقلاب اسلامی قول میدهم تا چند هفته دیگر به خواسته‌هایتان رسیدگی کنند.

حرفهای نماینده کمیته با اعتراض شدید کارگران روبرو شد ، رفیق اسماعیل علی پناه از پیشروان مبارزات کارگری کردستان که در فروردین 58 در راه کمک رساندن به خلق ترکمن جان خود را از دست داد و در این مبارزه نقش برجسته ای داشت ، با سرعت خود را به پشت تریبون رساند و در جواب به سخنان نماینده کمیته گفت:

اقا لطفا همین جا بمانید و حرفهای ما کارگران را بشنوید سپس رو به کارگران کرد و گفت خوب نگاه کنید من کارگر را با این اقا مقایسه کنید این اقا ما را به صبر و قناعت دعوت میکند؟! ماهایی که چند ماه است باهزار بدبختی و فلاکت و قرض گرفتن از این و آن زندگی مان را می گذرانیم! ماهایی که خون دادیم سینه مان را سپر کردیم و قیام کردیم تا از دست بدبختی و فقر و فلاکت نجات پیدا کنیم سپس رو به نماینده کمیته کرد و گفت : چرا این موعظه ها را برای خود و امثال خودتان نمیکنید ؟ چرا شما صبر و شکیبایی ندارید ؟ شمایی که از دسترنج ما کارگران انقدر سرمایه اندوخته اید که با آن میتوانید سالهای سال زندگی خوش و سیری داشته باشید ؟ میدانم اگر ما تا چند روز دیگر به تحصن ادامه دهیم و کار نکنیم و اشغالیهای شما را جمع اوری نکنیم ، کثافت و اشغال از سرو رویتان بالا میرود . پس اشغال غذاهای اضافی و میوه های رنگین شما را چه کسی بریزد ؟ از کوچک و بزرگتان مارا اشغالی صدا میزنید ، بله می فهمم نگرانی شما از چیست ، به ما میگویید صبر و قناعت داشته باشید ، آخر تا کی ؟ تا کی ما باید کار کنیم و شما در ناز و نعمت زندگی کنید ؟

رفیق اسماعیل سپس رو به کارگران کرد و گفت:

بمن بگوئید ایا تا کنون توانسته ایم برای خود و زن و بچه هایمان لباسی نو ، از لباسهای پشت و پیرین مغازه ها بخریم ؟ ایا تا کنون توانسته ایم میوه تازه بخریم ؟ ایا توانسته ایم به مادر یا پدر پیر و از کار

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

افتاده مان غذای گرم و جای راحت بدهیم؟ آیا بیاد دارید در مواقع بیماری، توانسته باشیم با خیال آسوده و بدون ترس از تامین معیشت روزهای بیماری، استراحتی کرده باشیم؟ تا کی تحمل؟ تا کی صبر و قناعت؟ نه اقا دیگر قبول نخواهیم کرد، برو به ان کمیته ات بگو که تا حقمان را نگیریم، بگو تا حقوق سه ماهه مان را پرداخت نکنید، این تحصن ادامه دارد و کار نخواهیم کرد.

سخنان رفیق اسماعیل با تایید و کف زدنهای مکرر کارگران روبرو شد و کارگران همصدا اعلام کردند تا تحقق خواسته مان که پرداخت حقوق سه ماهه است به سر کار باز نخواهیم گشت. تحصن کارگران شهرداری 5 روز طول کشید و با موفقیت کارگران و تحقق خواسته هایشان پایان یافت.

تحصن کارگران شهرداری و موفقیت آنان در گرفتن حقوق 3 ماهه شان و از طرفی دیگر فشار معیشت روی کل کارگران، این پیروزی قدرت اتحاد کارگران در تحقق خواستها و مطالبات را نشان داد و تجربه ای بود برای کارگران شهرداری و دیگر کارگران که در این روزها از مسائل دیگر کارگران اطلاع داشتند، باعث شکستن مرز صنفها شد و پیوند نزدیکتری بین بخشهای مختلف کارگران سنندج برقرار نمود.

این موفقیت و حرکتها سر آغازی بود برای ایجاد خانه کارگر.

خانه کارگر سنندج

ایده تشکیل خانه کارگر سنندج در بین جمعی از کارگران پیشرو شهرداری، چاپ، شرکت ساختمانی ماد شکل گرفت و جمعی از کارگران پیشرو این حرکت در ارتباط با سازمان چریکهای فدایی خلق بودند و در امورات خانه کارگر و هدایت ان نقش داشتند.

همچنین کارگران پوشاک، صنفهای خبازان، خیاطان، قصابها و خوراک پزها، گرمابه ها و شرکت سایر کارخانه های ارد خواهان پیوستن به خانه کارگر شدند. بدین ترتیب خانه کارگر با عضویت صنفها و رشته های مختلف تشکیل گردید. یک ساختمان متعلق به شهرداری در محله چهار باغ محل استقرار مرکز خانه کارگر شد و هر یک از صنفهای متشکل در خانه کارگر یک اتاق کار را در تحویل داشتند، از میان صنفها و شاخه های مختلف شورای مرکزی خانه کارگر تشکیل شد که وظیفه خود را رهبری و هدایت خانه کارگر تعریف میکرد.

شورای مرکزی هفته ای یک بار در روزهای جمعه جلسه داشت و خانه کارگر یک ایین نامه داخلی هم داشت که اعضا ملزم به رعایت مفاد این ایین نامه بودند.

اقدامات خانه کارگر

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سندج

مطرح کردن خواستها و مطالبات کارگران با ادارات و موسسات دولتی و خصوصی

تشکیل تعاونی مصرف کارگری برای رشته ها و صنفهای مختلف خانه کارگر

هر یک از کارگران 50 تومان بعنوان سهم میپرداختند و در قبال آن دفترچه دریافت میکردند و از تعاونی جنس میگرفتند

دخالت در برقراری 8 ساعت کار و افزایش دستمزد کارگران

پخش اطلاعیه خانه کارگر از رادیو و تلویزیون سندج

رسیدگی به تخطی کارفرمایان نسبت به کارگران و دخالت در آن موارد

تهیه لیستی از کارگران ساختمانی و کوشش برای اشتغال آنان در شرکتها و ادارات و صاحب کاران

شرکت در راهپیمایی مریوان

با حمله 28 مرداد سال 58 جمهوری اسلامی به کردستان این تشکل پایان یافت عمر یک دوره خود را دید و در ابان ماه سال 58 تغییر مجدد فضای شهر و حضور سازمانهای انقلابی و پیشمرگان ، خانه کارگر دوباره اعلام موجودیت نمود اما قوام گذشته خود را نداشت و بعد از هجوم گسترده لشکریان سرمایه به کردستان عمر این تشکل پایان یافت

سندیکای کارگران بیکار سندج

این سندیکا در دل اوضاع انقلابی بعد از قیام شکل گرفت ، نمایندگان سندیکا که منتخب از کارگران بودند ، برای طرح مطالبات کارگران بیکار که دریافت بیمه بیکاری ، اشتغال به کار و پرداخت حقوق معوقه کارگران از طرف شرکتهای ساختمانی بود ، به استانداری و شرکتهای ساختمانی مراجعه میکردند ، اما با وعده و وعید استاندار و مدیران این شرکتها مواجه میشدند.

پس از اینکه تلاش نمایندگان کارگران از این راه به نتیجه ای نرسید سندیکا اقدام به سازماندادن تظاهرات خیابانی و تجمع در مقابل مراکز دولتی بویژه استانداری و بستن چهارراهها در شهر نمود . مبارزه متحد و متشکل کارگران دولت را وادار کرد تا 600 نفر از کارگران بیکار از طریق اداره راه در یک شرکت جاده سازی در جاده نران استخدام کند ، در عین حال دولت قبول کرد تا به کارگران وام بیکاری پرداخت کند.

در طول سال 58 بارها سندیکای کارگران بیکار اکسیون و تظاهرات صدها نفری کارگران برای خواست و مطالباتشان را رهبری و سازماندهی میکرد ، کارگران برای نیازهایشان چاره جویی میکردند بخصوص در مرکز سندیکا که محله تازه آباد و یک محل تجمع دیگر در شهربانی قدیم در

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

خیابان فرح بود ، خواست کارگران در اکسیونها و تظاهرات تکرار میشد و خود را نشان میداد این بود:

(گرسنه ایم ، گرسنه – کارگریم ، کارگر – بیکاریم ، بیکار!)

کار برای کارگر!

این اکسیونها به اهرم فشاری برای رژیم و کارفرمایان تبدیل شد تا سریع تر به خواست ها و مطالبات کارگران گردن نهند.

سندیکا علاوه بر مبارزه در راه خواستهای کارگران بیکار در جهت کسب خواستهای کارگران شاغل هم اقدامات مهمی انجام داد از جمله مبارزه برای دریافت دستمزد و مزایای معوقه کارگران ساختمانی ماد . کارفرمایان شرکت ماد ناچار شدند تا به خواست کارگران گردن نهند و با پیگیری سندیکا مبلغ 8 میلیون تومان حقوق معوقه کارگران شرکت ماد گرفته و طبق لیست بین کارگران این شرکت تقسیم کنند بعد از این اقدام کارگران شرکت ماد به سندیکا روی آوردند و به عضویت آن درآمدند.

همچنین از اقدامات دیگر سندیکا میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

مشارکت در لوله کشی اب محله گردی گرو

شرکت مستقل و دادن قطعنامه در اول ماه مه سال 58

مبارزه در مقابل توطئه باند مفتی زاده و کمیته انقلاب اسلامی

پشتیبانی فعال از مصادره زمین توسط دهقانان فقیر در بخشهای کامیاران – مریوان و دیواندره

در هجوم 28 مرداد سال 58 به کردستان و به شهر سنندج و دست اندرکاران و فعالین اصلی این سندیکا مجبور به ترک محل کار و زندگی خود و یا برگزیدن زندگی مخفی ، این تشکل همچون خانه کارگر تعطیل شد و بعد از تسخیر شهر ها در پاییز 58 توسط نیروهای انقلابی و پیشمرگان سندیکا دوره تازه ای از فعالیت و تحرک خود را از سر گرفت اما در این دور سندیکا حرکت و خواستهای کارگران بیکار تحت شعاع مسائل عمومی تر قرار گرفت و قوام دور گذشته را نداشت و با حمله مجدد نیروی رژیم در فروردین 58 به شهر سنندج عمر این تشکل هم به پایان رسید.

شورای کارگری شاهو و پوشاک

کارگران کارخانه های پوشاک شاهو در سنندج که هر دو از مراکز بزرگ صنعتی کردستانند ، در فاصله سالهای 57 – 58 – 59 و تا قبل از اشغال شهر توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی ، علاوه بر مبارزه برای مطالبات کارگری خود ، در کلیه مبارزات و اعتراضات مردم در شهر سنندج نیز نقش فعالی داشتند . اولین سنت های جنبش شورایی در میان این بخش از کارگران کردستان پا گرفت

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

. بعد از قیام کارگران این 2 بخش کارگران سنندج ، شورای کارگری خود را تشکیل داده و در جلسات مجمع عمومی در مسائل مربوط به خودشان دخالت کرده و کنترل و اداره امور کارخانه را بدست گرفتند.

کارگران این دو مرکز تولیدی در طول سالهای 59 - 58 جدا از تشکیل شورای کارگری و اعمال اراده در همه مسائل مربوط به خودشان ، و علاوه بر شرکت در همه اعتراضات و مبارزات توده ای ، در مراسم با شکوه اول ماه مه سنندج در سال 58 که بیانگر آگاهی طبقاتی کارگران کردستان و درک همبستگی شان با کارگران سراسر جهان بود ، نقش فعالی بر عهده داشتند . بطور مشخص کارگران کارخانه پوشاک در این روز با تظاهرات و راهپیمایی مستقل خود و در حالی که پلاکاردی را که روی آن نوشته شده بود ” زنده باد اول ماه مه ، روز همبستگی جهانی کارگران ” در دست داشتند به طرف میدان آزادی حرکت کرده و به شرکت کنندگان در مراسم پیوستند . در جریان برگزاری مراسم یکی از زنان کارگر به نمایندگی از طرف کارگران این کارخانه ، در مورد اهمیت روز جهانی کارگر و همبستگی طبقاتی کارگران صحبت کرده و پیام همبستگی کارگران این کارخانه را به مناسبت این روز خواند.

شورای کارگری شاهو در مجمع عمومی خود نمایندگانی برای 6 ماه انتخاب کردند ، این نمایندگان در طرح مطالبات و پیگیری تصمیمات مجمع عمومی نقش و وظیفه داشتند از جمله خواستها و مطالبات مطرح شده که کارگران موفق به گرفتن آن از مدیریت و صاحبان کار شدند میتوان به چند مورد زیر اشاره کرد:

افزایش دستمزد که ان موقع دستمزد رسمی 5،63 بود

لغو اضافه کاری

سرویس ایاب و ذهاب جهت انتقال کارگران از محل زندگی به کارخانه و بر عکس

درست کردن سالن غذاخوری

گرفتن یک وعده غذای گرم

همانطور که در بالا اشاره شد تا قبل از اشغال شهر سنندج توسط جمهوری اسلامی شورای کارگری به یک دور کار با تجربه خود در جهت وحدت طبقاتی کارگران و پیگیری مطالبات این کارگران نقش چشمگیر داشت و بعد از اتمام یک دوره کار و عمر این تشکلهای کارگری در دوره های بعد از هجوم سراسری جمهوری اسلامی به دستاورد قیام 57 و دستاورد جنبش کارگری ، کارگران شاهو و پوشاک مجددا با برپایی مجامع عمومی و اکسیونهای مبارزات خود را از سر میگیرند که در ادامه و در جدول امار مبارزات به مواردی از ان مبارزات اشاره میشود.

کارگاههای کوچک

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

کارگاههای کوچک واحدهایی هستند که از 1 تا 9 کارگر در آن کار میکنند ، این کارگاهها عموماً به سرمایه های خصوصی کوچک تعلق دارند ، وسایل تولید آنان قدیمی و بار اوری کاراین کارگاهها پایین و با استثمار شدید کارگران و کسب ارزش اضافه زیاد همراه است.

کارگران شاغل در این بخش با مسائل عمومی سایر بخش های طبقه کارگر از قبیل بیکاری ، پراکندگی ، اخراج ، کار کنتراتی ، کاهش دستمزد و شرایط ناامن و دست به گریبان هستند ، اما گذشته از اینها خصوصیات مشترک ، دارای ویژگیهایی نیز هستند از جمله اینکه مکان نسبتاً ثابتی در تولید اجتماعی و تمرکز معینی در محل کار دارند و این زمینه ای برای متشکل شدن حول مطالبات مشخص و مشترکی است.

در شهر سنندج صدها کارگاه و مرکز کوچک وجود دارد که هزاران کارگر در سنین مختلف در آنها مشغول بکارند قراردادهای بین کارگر و کارفرما برای پرداخت دستمزد ، عموماً بر اساس کار کنتراتی و قطعه کاری یا به شکل پرداخت مزد روزانه یا هفتگی میباشد که دستمزد کار بچه ها بیشتر هفتگی پرداخت میشود و تحت عنوان فراگیری و ماهر شدن دستمزدهایشان را در حد پایین قرار میدهند که حداکثر دستمزد بچه ها هفته ای 300 تومان میباشد اماری که در دسترس داریم حدود 3000 (سه هزار) نفر از این بچه ها در کارگاهها کار میکنند.

ساعت کار معمولی این کارگاهها 10 الی 12 ساعت میباشد که گاهی اوقات با شب کاری یا اضافه کاری به 15 ساعت میرسد . حدود سنی کارگران این کارگاهها از 8 سال تا کارگرانی که 30 سال سن دارند میرسد.

عوارض وسختی ناشی از کار این کارگران بسیار زیاد و متنوع است از جمله میتوان خلاصه اینها را گفت:

در جوشکاریها - نانوایی - مکانیکی - صافکاری - بلوک زنی - شیشه بری - شیرینی پزی - خیاطی - صنایع فلزی - موزائیک سازی - دامداری - نجاری - تراشکاری - سنگبری - نساجی - غذاخوری - و کارگران با سرو صدای زیاد وسایل کار - حمل سنگین وسایل در محل کار - صدای دستگاه و موتورها - نور ناشی از کربیت و جوش - استفاده از پرس و اره برقی - نشستن پشت دستگاه و شیوه ثابت کار کردن - فرو رفتن براده آهن و چوب در حین برشکاری در چشم و بدن - الوده بودن بدن و لباس کارگران به گریس و روغن و خاک - در گرمای زیاد و جلو حرارت زیاد ساعتها کار کردن و ... اینها هر کدام عوارضهایی به بار آورده که در حال حاضر کارگران این کارگاهها مبتلا به بیماری یا سوانح ناشی از کار هستند . و کمتر مواردی پیش میاید که سرمایه داران خسارت ناشی از سوانح را پرداخت و به کارگر بدهند.

دستمزد کارگران همچنانکه در بالا یادآوری شد بشیوه یکسان نیست و هر کدام از صنفها و حتی کارگاهها ی یک رشته و یک صنف به یک شیوه پرداخت نمیشود اما متوسط دستمزد روزانه کارگران 120 تومان میباشد.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

از کل کارگران کارگاههای کوچک در صد کمی از آنان تحت پوشش بیمه هستند و در ماه 7% الی 9% به نسبت دستمزدشان باید حق بیمه بپردازند و اینان بیشتر کارگران ماهر و با سابقه هستند و کمترین استفاده را هم از بیمه بودندشان میبرند.

در جدول زیر برای آشنایی بیشتر با نقطه تمرکزهای کارگران ادارات دولتی و موسسات خصوصی و کارگاههای کوچک و بعضی مشخصات دیگر از طریق جدول تعدادی از آنان را معرفی میکنیم:

رشته های کار تعداد کارگران نانوائی ها 250 300 نانوائی در شهر وجود دارد

موزائیک سازی 150

گرمابه ها 1000

کارگران مغاره ها 3000 قصابی ها = اتوشویی ها = قهوه خانه ها =

واکسی و تعمیر کفش و.....

خیاطی 2000

شیشه بری 150 در کل 54 مغازه شیشه بری

سنگبری 100

نساجی دستی 200 محل تمرکز این کارگاهها در خیابان

سیروس = محله شریف اباد = خیابان

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

مردوخ = و سرتوپوله = هستند

شهرداری 700=800 کارگران شهرداری در بخشهایی مثل:

فضای سبز = جاده سازی و رفتگران و...

کار میکنند

اداره برق 400 شامل دو بخش اداری و دو بخش مولد نیرو

در گریزه و فیض اباد

شرکت شاهو 240 واقع در جاده سیلو به گریزه نزدیک بهشت

محمدی

نساجی بنیاد مستضعفان 200

کفش زربوار 80 دولتی و خصوصی است وابسته به سرمایه

گذاری غرب سالانه 600 هزار جفت کفش

تولید میکند

کارخانه پوشاک 142 بیشتر کارگران این کارخانه زن هستند

کارخانه شاهو 330 = 350 30% خصوصی و 70% دولتی

شرکت نفت 300

اداره راه 1500 راننده = نقاش = تراشکار = جوشکار = صافکار =

مکانیک و کمک مکانیک

جدول زیر متعلق به این رشته و صنفهایی برمیگردد که عمدتاً تعمیرات ماشین آنها را ایجاب میکند مانند، جوشکاری = باطری سازی = تعویض روغن = سرویس کار یا ماشین شویی = جلوبندی

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

سازی = تودوزی = اپاراتی و درو پنجره سازی = الومینیوم سازی = تانکر سازی و مواردی دیگر:

محل کار کارگاهها تعداد کارگران

کمربندی فیض ابادبه 25 شهریور 200 = 300

تفتان 300

استانداری 150

حاجی اباد بالا و پایین 1000

خیابان حسن اباد 80 و غفور 200

خیابان ششم بهمن 80 خیابان ادب 30

شریف اباد 50

خیابان وکیل 30

عباس اباد 500 میدان نبوت و گلشن 600

ناصر خسرو 40 خیابان فردوسی 100 خیاط

خیابان سیروس 100

کارگران ادارات و موسسات دولتی سنندج

بخشی از کارگران سنندج در ادارات و موسسات دولتی از قبیل : شهرداریها ، ادارات راه ، آب و برق ، جهاد سازندگی ، بیمارستانها ، شرکت نفت ، دخانیات ، مسکن و شهر سازی و مشغول بکارند که تنها عده معدودی از آنان رسمی میباشند و بقیه بشکلهای قراردادی (3 ماهه و 6 ماهه و 89 روزه ای و) و پیمانی کار میکنند.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

حقوق این بخش از کارگران بسیار ناچیز و نازل و شرایط کار آنان بسیار دشوار است. نه از خدمات درمانی کافی بر خوردارند و نه مسکن مناسبی دارند و نه امنیت شغلی بخصوص آن دسته از کارگران که قراردادی و پیمانی هستند همواره در معرض تهدید و اخراج و بیکاری قرار دارند و دولت با آنان قراردادهای 89 روزه ای می بندد تا تعهدی به رسمی شدنشان نداشته باشد. در طول جنگ ایران و عراق و مقطع بیکار سازیها به بهانه های گوناگون از جمله امتناع از رفتن به جبهه اخراج کرده اند برای نمونه در سال 64 از 3000 نفر کارگر سازمان آب که در سد قشلاق کار میکردند تنها 100 نفر بر سر کار ماندند مانند همین اخراج 20 نفر از کارگران اداره برق در اسفند 64 و اخراج 45 نفر از کارگران مسکن و شهر سازی در سال 64 و....

شرایط کار

شرایط کار کارگران ادارات و موسسات دولتی شاق و بسیار سخت است علیرغم ساعت کار طولانی 12 تا 13 ساعته کارگران بخشهای مختلف در معرض و آسیب دیدگی و بیماریهای سخت همچون بیماری ریوی و رماتیسم قرار دارند برای نمونه کارگران اداره برق در معرض برق گرفتگی، کارگران شهرداری در میان زباله ها و دود و خاک در معرض انواع بیماریها هستند، کارگران سازمان آب هنگام سرما و فصل بهار و زمستان دائما با آب و لوازم خیس سرو کار دارند و در محیط مرطوب در معرض بیماریهای رماتیسم قرار دارند و....

دستمزد

کارگرانی که در ادارات دولتی کار میکنند دستمزدها به نسبت رسمی و قراردادی تفاوت دارد دستمزد کارگران رسمی حقوقی معادل 4500 تومان در ماه و کارگران قراردادی و پیمانی 170 - 150 تومان در روز دریافت میکنند در موارد زیادی این کارگران اضافه کاری و شب کاری میکنند و گاهی اوقات در ماه به جای 176 ساعت کار 245 ساعت کار میکنند یعنی 69 ساعت اضافه کاری اما هنگام پرداخت حقوق و دستمزد نصف دستمزد اضافه کاری را تحویل کارگران میدهند.

از کمبودهای این بخش از کارگران که به دلیل نداشتن تشکلهای خود و نداشتن ارتباط کافی و وسیع با دیگر بخشهای کارگری و جلب پشتیبانی آنها ز اعتراضات و مبارزات خود بوده است. از همین رو رژیم گاهی توانسته است آنها را بطور دسته جمعی اخراج و یا حقوقشان را به بهانه های مختلف و یا حق اضافه کاری و حق شیفت شب کاری آنها را نپردازد. رژیم میکوشد در میان کارگران رسمی و کارگران پیمانی و روز مزد تفرقه بیندازد و شدیدترین استثمار و بی حقوقی را بر کارگران پیمانی و روز مزد تحمیل کند، کارگران رسمی را هم با تهدید و اخراج به محافظه کاری بکشاند. از جمله خواستها و مطالبات این بخش از کارگران موارد زیر میباشد:

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

رسمی شدن کارگران پیمانی و روز مزد ، بهره مند شدن از بیمه های اجتماعی و خدمات درمانی ، افزایش دستمزد ، کاهش ساعت کار ، پرداخت حقوق معوقه ، پرداخت اضافه کاری ، حق مسکن ، حق ایاب و ذهاب و....

کارگران موسسات دولتی صرفنظر از این که در چه موسسه و اداره ای و چه خواست و مطالبه ویژه ای دارند ، علاوه بر این که میتوانند و باید متحدانه در برابر فشار های رژیم و بخاطر دفاع از حقوق خود ایستادگی کنند همچنین باید در مبارزه سراسری کارگران برای یک قانون کار دموکراتیک و انقلابی که در آن همه خواستهای کارگران اعم از اقتصادی ، رفاهی و سیاسی برسمیت شناخته شود ، شرکت نمایند . در عین حال این بخش از کارگران باید بکوشند محافل و مجامع کارگری خود را ارتقا دهند و دست به ایجاد تشکلهای بزرگتری چون سندیکا اتحادیه و شورا بزنند و با ارتباط با دیگر بخشهای کارگری و پشتیبانی از مبارزات آنان متقابلا از پشتیبانی آنان در مبارزات خود بهره جویند و از تجارب بخشهای مختلف و مبارزات کارگران و تشکلهای آنان استفاده نمایند همچنین آنها باید مانند دیگر کارگران شعارها و خواسته های سراسری طبقه کارگر از قبیل : افزایش دستمزد به تناسب تورم ، 40 ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته ، آزادی اعتصاب و تشکل و نظایر انرا به پرچم مبارزات خود تبدیل نمایند.

نکاتی پیرامون کارگران فصلی = پروژه ای

بیکاری وسیع و کمبود کار و شغل ثابت بخش زیادی از کارگران کردستان را واداشته است تا به کارهای فصلی و موقت چون کار ساختمانی و برخی ادارات دولتی و کار پروژه های جاده سازی و پل سازی....

در سنندج و بخشهای چم شار = لیلاخ = ژاورود = بخش زیادی از کل کارگران را کارگران فصلی = پروژه ای تشکیل میدهند که توضیحات مختصر زیر در اشاره به کار و زندگی این بخشها میباشد:

همانطور که در بالا یادآوری شد بخش اعظم کارگران سنندج در این مراکز مشغول بکارند : کارگران ساختمانی = پل سازی = جاده سازی = فضای سبز شهرداری ، شرکتهای ساختمانی و بعضی ادارات دولتی مانند اداره راه ، آب و برق ، مسکن و شهر سازی و کارگران روستایی و.....

این بخش از کارگران رسمی نیستند و شامل هیچ نوع قانون کاری نیستند بنابر این استثمار وحشیانه ، ساعت کار طولانی ، پایین بودن دستمزد ها ، ناامنی شغلی و سایه اخراج و عدم تامین بیمه های درمانی و اجتماعی و دیگر حق و حقوقها و دیگر محرومیتها از خصوصیات و شرایط کار و زندگی این کارگران و خانواده هایشان میباشد.

کارگران فصلی = پروژه ای سنندج ، بخشی از آنان در خود شهر و اطراف شهر سنندج کار میکنند و بخشی هم به خارج از شهرهای کردستان میروند و در انجا مشغول به کار میشوند که در زیر اشاره ای به این دو بخش داریم:

کارگران میدان سندج

بخشی از کارگران ساختمانی شهر و روستاهای اطراف بخصوص چم شار هر روز صبح در دو محل مشخص یکی میدان مرکزی شهر (دور میدان) و دیگری در انتهای خیابان سیروس (میدان نبوت) تجمع میکنند و چشم انتظار صاحب کار میمانند. نسبت کارگرانی که شانس پیدا کردن کار را داشته باشند حد پایینی را تشکیل میدهند و قسمت عمده کارگران بیکار میمانند که یا بدون اینکه چیزی گیرشان بیاید دست خالی به خانه باز میگردند یا در نصف روز و با ناامیدی از بازیافتن کاری به دستفروشی (نان فروشی = ناپلون فروشی = سیگار فروشی = کوپن فروشی و) میپردازند و این صحنه هر روز تکرار میشود.

تعدادی از همین کارگران ساختمانی ماههایی از سال شغل ادامه کارتری را با کار پیمان کاری یا کارهای متفرقه مانند خانه سازی با پیمان کاران یا با بناها به مدت چند ماهی مشغول میشوند با هر بنا معمولاً از 4 کارگر تا 15 کارگر کار میکنند.

دستمزد این کارگران بنا به دلایلی از جمله بیکاری وسیع در نوسان است از 200 تومان تا 350 تومان میزان دستمزدها میباشد. در اواخر فصل کار کارگران روستایی و کم بودن کار در شهرها در پاییز و زمستان و روی اوری کارگران روستایی به شهر سطح دستمزدها پایین میآید.

کارگران دور میدان، ابتدای سال 58 با 200 تومان کار میکنند و با تصمیم گیری جمعی و توافقاتی در مرحله هایی به 250 تومان و در اواخر بهار 68 دستمزد به 350 تومان میرسد.

کارگران فصلی = مهاجر

این کارگران برای یافتن کار ماههایی از سال راهی شهرهای خارج از کردستان میشوند، این بخش از کارگران بیشتر به شهرهایی چون تهران، دماوند، قزوین، اصفهان، ایرانشهر، بنادر جنوب حمل بار در کشتیها و بیشتر در کارهای ساختمان سازی و پروژه های تا حدودی دراز مدت، بخش خیلی کمی به کارهای صنعتی و فنی مشغول میشوند.

این کارگران به مدت 3 ماه یا 6 ماه که در خارج از کردستان کار میکنند مسکن و سر پناه مناسب ندارند و اکثراً محل مشخصی را هم برای استراحت ندارند، بعضی موارد کارگران در جمعهای تا 5 نفره یک اتاق را کرایه میکنند و بعضی موارد در آن محل که کار میکنند در آن نقطه هم استراحت میکنند و محل زندگیشان هم میشود اکثراً کار کنتراتی و اضافه کاری و شبگاری مکنند تا مزد بیشتری دریافت کنند و بتوانند در بقیه ماههای سال زندگی بخور و نمیر را تامین کنند.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

کیفیت غذا و مصرف مواد غذایی و تامین انرژی لازم برای کار در حد بسیار پایین است و معمولاً غذای سرد و معمولی مصرف میکنند.

جدا از ساعت کار طولانی $12 = 13$ ساعته اضافه کاریها در ماه سر به 60 ساعت و به بالا هم میزند.

مسئله دیگر ارتباط این کارگران با کارگران دیگر ملیتها و کشورها است در سالهای اخیر تفرقه اندازی زبان ، ملیت ، مذهب و ... که سرمایه داران به ان دامن زده اند خیلی ضعیف شده و مراودات عادی و حتی ادامه کار کارگران کرد (سنندج) با دیگر کارگران ایران و کارگران افغانی خیلی برجسته است و این را میتوان در دهها نمونه مبارزات دسته جمعی کارگر کرد و ترک و بلوچ و افغان ، هم صدا با هم علیه سرمایه داران و صاحبان کار دید مبارزاتی که کارگر کرد جدا از ملیت و مذهب به خاطر اخراج کارگر افغانی دست به اعتراض و تعطیلی کار زده است . کارگران مهاجر تجارت مبارزاتی فراوان کسب کرده اند و در مبارزات خود در تحمیل خواستها و مطالبات به صاحبان کار مبارزات خود را اکثراً به شیوه تعطیل کردن موقت کار ، اعتصاب چند روزه ، تهدید کارفرما ، تعیین نماینده و تجمع در دفتر ادارات و موسسات سرمایه داران ، مبارزات خود را پیش برده اند.

در جریان سالها کار و مبارزه و زندگی به دور از خانواده و آشنایی با دیگر بخشهای کارگری و در میان کارگران مهاجر ، کارگران پیشرویی بار آمده اند که تجارب فراوانی در پیش برد مطالبات کارگران کسب کرده اند و این چهره ها عملاً بیان و زبان نیاز و مطالبات کارگران مهاجر هستند و هر کدام جمعی را اطراف خود دارند و نه فقط در خارج از کردستان و در محل کار بلکه هنگام برگشتن و زندگی در شهر یا روستا خانه و محل زندگیشان جای سوال و جوابهای زندگی کارگران میباشد.

اشاره ای به محلات حاشیه ای شهر

محلات حاشیه ای شهرهای کردستان محل زندگی کارگران زیادی میباشد و کارگران سنندج و کارگرانی که در بخشهای مختلف در این جزوه به مسائل مختلف کارشان اشاره داشتیم در این محلات زندگی میکنند:

عباس اباد = کانی کوزه له = کانی کورگ علی = انتهای فیض اباد = تققان = گردی گرول = حاجی اوا = قسمت بالا و پایین = غفور = زور اباد = شریف اباد = رستم اباد.

اگر بخواهیم از وضعیت هر کدام از محلات صحبت بکنیم و بنویسیم خود صحبتهای طولانی میخواهد ولی نکات مشترک و محرومیتها و مطالبات مشترک را میتوان اینها را نام برد:

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

هر کدام از این محلات جمعیتی $8 = 10$ هزار نفری را تشکیل میدهند ، در این محلات یک یا دو واحد درمانی که اغلب مراجعه کنندگان و مریضها با دست خالی ، به خاطر نبودن دارو و یا گرانی آن ، برمیگردند ، عدم امکانات رفاهی مثل اسفالت کوچه ها ، خانه سازی غیر عادی و حتی بدون حصار و خانه گلی ، تعداد مدارس کم است همچنین ناوایی = حمام = شعبه پخش نفت و مینی بوس برای رفتن به مرکز شهر و برگشتن و کم است و نیاز ساکنین این محلات را برآورده نمیکند.

اب و برق از نیازهای اولیه در حد کم و ابتدایی وجود دارد و بندرت و با پول سر سام اوری تهیه کرده اند مثلا برای لوله دو اینچی اب لوله کشی 15 تا 20 هزار تومان پول عوارض شهرداری باید بدهند ، برای هر شماره کنتور برق 15 امپری مبلغی در حدود 8 تا 10 هزار تومان باید عوارض بدهند و جیره و قانع کردن کارمندان پایین هم خود نیاز به پول دارد که باید ساکنین این محلات بپردازند.

هنگامیکه مصرف اب شهر و ساکنین شهر بالا برود اولین محلهایی که اب لوله کشی آنها کم شود یا قطع شود و یا خاموش برق بیشتر روی این محلات سرشکن میشود.

زنان و بچه های این محلات دوش بدوش مردان مجبورند برای تامین معیشت کار کنند و کارهای دستی مثل نخ ریسی ، قالی بافی و پختن نان برای فروش ، و بچه ها به انواع شغل های کدایی مثل نان فروشی و نایلون فروشی و سیگار فروشی مشغول باشند تا زندگی بخور و نمیر را تامین کنند.

این محلات که خانه سازی و تاسیس آنها تا 15 سال میرسد مبارزات زیاد و متنوعی داشته اند این مبارزات برای بدست آوردن امکانات رفاهی مانند اب = برق = امکانات درمانی و مدرسه و علیه تعدی و زور برای خانه سازی و جلوگیری از تخریب خانه هایشان در مقابل ماموران شهرداری و اسلحه بدوشان دیگر بشیوه های مختلف مثل در گیر شدن و کتک کاری ماموران شهرداری و پاسبانها = راهپیمایی دسته جمعی و تجمع در مقابل استانداری و ادارات دولتی = دادن قطعنامه و تعیین نماینده برای مذاکره و درخواست مطالباتشان و مبارزه کرده اند و عقب نشینیهایی به دولت تحمیل کرده اند ، اماری که در دسترس بود و قطعا امار جامع تعداد مبارزات نسبت تا سال 66 مبارزات دسته جمعی ساکنین این محلات به 35 در صد میرسد.

اشاره به چند نمونه از مبارزات کارگری در این دوره ($60 = 67$) برای تحقق خواستها و مطالبات خود.

تاریخ مرکز کار نوع مطالبه و مبارزه شکل مبارزه

1360 کارخانه شاهو ایجاد سالن غذا خوری انتخاب نماینده

سرویس رفت و آمد =

افزایش دستمزد = لغو

اضافه کاری

1360 شرکت نفت اضافه دستمزد مجمع عمومی

1360 کارخانه شاهو مخالفت با تشکیل شورای مجمع عمومی

اسلامی در کارخانه

1361 شرکت نفت اضافه دستمزد مجمع عمومی

1361 کارخانه شاهو ایجاد تعاونی مجمع عمومی

1362 کارخانه شاهو بحث روی طرح طبقه بندی مجمع عمومی و

شاغل و انتخاب نماینده جهت انتخاب نماینده

مذاکره با اداره کار

اول مه 64 کارگران کارخانه ها برگزاری اول مه تعطیلی و نرفتن سر کار

و کارگاهها و.....

1364 اداره مسکن و شهر خواست حقوق معوقه اعتصاب

سازی

1364 شرکت ارونند خواست حقوق معوقه اعتصاب

مرداد 64 بنیاد مسکن گرفتن خرج ایاب و ذهاب تجمع در محل

مهر 64 شرکت سهامی علیه باج و خراج اتش زدن صندوق کمک

کارگران به جنگ

ابان 64 شرکت ساختمانی علیه باج و خراج جواب ندادن به پاسداران

ماد

تاریخ مرکز کار نوع مطالبه و مبارزه شکل مبارزه

مهر 64 اداره راه علیه باج و خراج جنگی اظهار مخالفت جمعی

1364 کارگران بخش ساختمانی مزایا و مسکن اعتصاب

رادیو و تلویزیون

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

شرکت گرافوس 1=پرداخت دستمزد 3 روز اعتصاب

2=تامین سرویس اباب و ذهاب

3=ایمنی محل کار

4=عدم اخراج کارگران

5=حق اولاد و مسکن

6=بیمه بیکاری 64

اول مه کارگران بخشهای برگزاری اول مه مراسم در کارخانه شاهو

1365مختلف و محافل مختلف

1365کارخانه شاهو علیه باج و خراج جنگی اعتراض دسته جمعی در محل کار

مرداد کارگران بیمارستان علیه اخراج و برای رسمی

1365توحید شدن و لغو کار قراردادی

1365شرکت ساختمانی نادر برای حقوق معوقه تهدید به تعطیلی و اعتصاب

شهریور 65 کارگران دفتر فنی برای گرفتن دستمزد معوقه اعتراض دسته جمعی در محل اداره

1366کارگران خیاط امتناع از دوختن لباس نظامی اعلام مخالفت علنی و جمعی

به جبهه

مه 66 کارگران سنندج برگزاری اول مه میتینگ و.....

1366کارگران تربیت معلم برای حقوق معوقه اعتصاب

1366کارگران گرافوس افزایش دستمزد علیه شرایط اعتراض دسته جمعی

نا مناسب کار

1366شرکت ساختمانی هومور افزایش دستمزد اعلام خواست دسته جمعی

تابستان 66 شرکت امکان الکتریک علیه اخراج همکارانشان اعتصاب

(نسب برق)

مه 67 کارگران سنندج برگزاری اول ماه مه میتینگ و مراسم

1367کارخانه شاهو 3 مورد مبارزه علیه تفتیقات اعلام علنی در محل کار

تاریخ مرکز کار نوع مطالبه و مبارزه شکل مبارزه

1367 کارخانه شاهو حول مطالبات فوری کارگران مجمع عمومی

1367 کارگران مخابرات برای دریافت حقوق معوقه خواست دسته جمعی و اعلام

ان به مدیریت

1367 کارخانه شاهو برای بازگشت به کار چند اعلام دسته جمعی به مدیریت

کارگر اخراجی

1367 کارگران شهرداری برای حقوق معوقه اعتصاب یک هفته ای انتخاب (بخش فضای سبز)

نماینده

مروری بر مبارزات کارگری از سال 60 تا 67

با نگاهی به جدول در وحله اول آنچه به نظر میرسد رشد سعودی مبارزات و تکثیر مبارزات و مطالبات کارگران میباشد اگر به دلائل کم بودن تعداد مبارزات کارگران در 59 و 60 و تا اواخر 63 بپردازیم باید نقش عدم تشکلهای توده ای کارگران و تاثیر این کمبود در مبارزات کارگران آگاه بود و دیگر اینکه جمهوری اسلامی در این سالها با یورش خود به دستاوردهای انقلاب 57 و موج ترور و خفقان در سراسر ایران و حمله به کردستان و به تبع آن در شهر سنندج هم آن موج سرکوب وحشیانه و اعدام و زندانی کردن رهبران هر نوع خواست و مطالبه را به اجرا درآورد و به دستاوردهای کارگران بخش های مختلف از جمله بیکاران ، تشکلهای شورای شاهو و پوشاک حمله برد و محدودیتای زیادی بر آنان تحمیل نمود.

در سال 64 و سیاست های بیکار سازی جمهوری اسلامی هم دامن کارگران سنندج را گرفت و تعداد زیادی از کارگران بخصوص ادارات و موسسات دولتی را فرا گرفت برای نمونه اخراج و بیکاری بیش از 2000 نفر از کارگران سد قشلاق را نام برد . اما در همین سال عرصه های مختلف مبارزه کارگران از جمله علیه اخراج برای گرفتن حقوقهای معوقه و علیه باج و خراج جنگی ، میدانهایی بودند که کارگران با حرکت های دسته جمعی همچون اعتصاب ، تجمع در محل کار ، و اظهار مخالفت جمعی و علنی با ماموران و رشوه بگیران ، قدرت و اتحاد خود را نشان دادند و این حرکتها دور تازه ای از مقابله قدرتمند ترو متحد تر کارگران سنندج بود.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

از سال 65 که دور تازه مبارزات و حرکت‌های سال 64 جنب و جوش تازه ای را به کارگران سنندج میداد مبارزات کارگران ادامه میابد و برای مطالبات کارگری حرکات دسته جمعی و متحدانه صورت میگیرد و علیه فشار جنگی جمهوری اسلامی هم حرکت‌هایی صورت میگیرد در این سال کارگران در جمع‌های بزرگتری در مراسم اول ماه مه شرکت میکنند و حول مسائل و مشکلات خود صحبت میکنند .

در سال 65 و 66 و 67 همانند سالهای قبل ، در شرایط بیکاری رو به افزایش ، اخراج ، فشار جنگی جمهور اسلامی تا قبل از آتش بس ، گرانی و گسترش فقر و فلاکت ، ادامه سرکوب‌های سیاه جمهوری اسلامی و یورش به کارگران مبارز و دیگر فعالین سیاسی و دستگیری و اعدام دسته جمعی آنان و علیرغم اینها کارگران سنندج مراسم های روز اول ماه مه را با شکوه هر چه تمامتر و بشکل علنی و میتینگ های چند هزار نفری برگزار کردند و چون یک جنبش اجتماعی معین با مطالبات سیاسی و اقتصادی و صف مستقل خود پا بمیدان گذاشتند و قطعنامه ای که به تصویب رساندند ، در واقع مواد اساسی از یک قانون کار انقلابی و دموکراتیک ، قطعنامه ای که خواست دل زنان و مردان کارگر بود.

جدا از مراسم های اول ماه مه و نقش سراسری ان کارگران سنندج در سالهای 65 و 66 و 67 برای خواستها و مطالبات خود و همچنین اضافه دستمزد ، گرفتن حقوقهای معوقه ، علیه اخراج بشکل جمعی و متحدانه با مجمع عمومی به مبارزه دست میزنند و آنچه که مهم است در این سالها اعتصاب مثل یک شیوه موثر و کارا بیشتر از ان استفاده میشود و مدت زمان اعتصاب از یک روز تا یک هفته بطول میانجامد.

برپایی مراسم اول مه بشکل وسیع علنی در سطح شهر و بالا گرفتن اشکال اعتراضی دسته جمعی در میان کارگران نشان دهنده رشد ، آگاهی ، نضج گیری ، افزایش تجربه مبارزاتی و پختگی هر چه بیشتر پیشروان و رهبران عملی در میان کارگران مبارز سنندج است و ارتباط این پیشروان و رهبران کارگری در سطح وسیعتر و در سطح شهر پشتوانه محکمیت برای تداوم و ارتقا مبارزات قدرتمندتر کارگری در آینده.

کارگران سنندج و اول ماه مه

تاریخچه برگزاری اول ماه مه ها در سنندج به شکل علنی و وسیع و مقاطعی اشکال محدودتر و در دوره های دیگر به شکل علنی و میتینگ های باشکوه از سال 58 شروع میشود که مروری بر این تاریخچه میکنیم.

در سنندج تظاهرات اول ماه مه سال 58 به دعوت جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب آغاز شد . کارگران از دو نقطه یکی از میدان وسط شهر و دیگری از محل سندیکای کارگران بیکار در خیابان تازه اباد به راه افتادند و در میدان آزادی اجتماع کردند ، کارگران کارخانه شاهو و کارخانه پوشاک

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

هم در این مراسم شرکت داشتند . کارگران در این مراسم به سخنرانی پرداختند و حول مسائل و مطالبات فوری خود و ضرورت مبارزه متحدانه برای به دست آوردن ان تاکید کردند ، اطراف محل برگزاری مراسم پر از تراکت و شعار بود و از جمله این شعارها که با خط درشت نوشته شده بود اینها را میتوان نام برد:

کارگران جهان متحد شوید ، زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر ، و مطالباتی همچون ، بیمه بیکاری ، حق اشتغال و 8 ساعت کار روزانه.

بعد از اشغال شهرهای کردستان توسط جمهوری اسلامی و همراه این ممنوع کردن اجتماعات مستقل کارگری از سوی جمهوری اسلامی کارگران سنندج تا سال 65 جشن اول ماه مه را در محلهای کار و محافل خانوادگی و به شکل صحرا رفتن و پخش شیرینی جشن می گرفتند و در این جمعها به مهمترین مطالبات روز کارگران اشاره میکردند در سال 64 از چند روز قبل از اول ماه مه شعارهایی که از رادیو های حزب کمونیست ایران پخش میشد بر دیوارهای شهر نوشته میشد . روز 11 اردیبهشت بخش قابل توجهی از کارگاههای کوچک و بزرگ در خیابانها و محلات مختلف شهر تعطیل شدند . برفراز کوه ابیدر اتش برزرگی روشن شده بود که به کارگران فرا رسیدن روز کارگر را مژده میداد .

در اول ماه سال 65 فضای عمومی شهر سنندج خبر از تعطیلی و جشن کارگران را میداد ، از چند روز قبل از اول ماه مه ، فرا رسیدن روز کارگر در سنندج کاملاً مشهود بود . در کارخانه ها ، کارگاهها ، میادین کار و بین کارگران ساختمانی و صفوف مختلف ، همه جا صحبت از برگزاری اول ماه مه بود . شعارهای اول ماه مه بر در و دیوار نقش میبست و تراکتها و فراخوانها ی حزب کمونیست ایران برای گرامیداشت اول ماه در تمامی مراکز ، محلات کارگری و نقاط مختلف شهر پخش میگردد.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی از چند روز قبل از اول ماه مه بر تعداد نیروهای نظامی و انتظامی در سطح شهر و همچنین در نزدیکی کارخانه ها ، مراکز تجمع کارگران و محلات زحمتکش نشین افزوده بود . روز سه شنبه 9 اردیبهشت نمایندگان کارگران به اداره کار مراجعه کردند و سالن کارخانه پوشاک را برای بر پایی جشن مستقل کارگران در اختیار گرفتند . طی اطلاعیه هائی از سوی چند تشکل کارگری که تا روز مراسم وسیعاً در سطح شهر پخش میشد ، مکان و زمان مراسم به اطلاع کارگران میرسید . بعد از ظهر اول ماه کارگران کارخانه های شاهو و پوشاک به همراه گروههایی از کارگران کارگاههای مختلف ، اصناف ، کارگران ساختمانی و کارگران بیکار مراسم مستقل خود را بر پا داشتند . در این اجتماع چند صد نفر از کارگران شرکت داشتند ، چند نفر از کارگران در باره روز جهانی کارگر و خواسته و مطالبات کارگران سخنرانی کردند . در پایان قطعنامه ای صادر و به تصویب اجتماع کنندگان رسید که بر خواستهایی چون بیمه بیکاری و تامین زندگی بیکاران ، محدودیت ساعت کار و ممنوع کردن کار قراردادی ، رسمیت یافتن تعطیلی اول ماه و رسمیت یافتن و حق ازادی بر پایی تشکلهای کارگری ، تاکید گردید . گردهمایی کارگران پس از 4 ساعت در طنین شعارهای اتحاد ، اتحاد ، کارگران اتحاد پایان یافت.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

در سال 66 برای برپایی مراسم مستقل کارگری، نمایندگان کارگران برای تعیین محل و اجتماعات کارگران به اداره کار مراجعه کردند و اداره کار کارگران را سرمیدواندند و روز دهم اردیبهشت رسماً اعلام نمودند که هیچ مراسم مستقل کارگری نباید اجرا گردد. مزدوران جمهوری اسلامی با گشتیهای پیاده در دسته های 10 تا 12 نفری مسلح در نقاط مختلف به گشت زنی و بازدید عابرین میپرداختند.

اما علیرغم همه این اقدامات ضد کارگری و سرکوبگرانه خلی در اراده و عزم کارگران برای برپایی جشن اول ماه مه ایجاد نگشت روزهای نهم و دهم اردیبهشت اعلامیه و تراکتهای حزب کمونیست ایران توسط واحدهای پیشمرگ کومه له در محلات کارگری و زحمتکش نشین پخش میشد و دست کارگران میرسید.

غروب روز دهم اردیبهشت ماه برفراز کوه ابیدر اتشی به شکل عدد 11 افروخته شده بود و آتشیهای هم در قله ابیدر بزرگ و قله کوچک ره ش، که در معرض دید شهر سنندج و آبادیهای اطراف شهر بود، خبر از برگزاری شکوهمند اول مه میداد.

بعد از ظهر 11 اردیبهشت، ساعت 2 بعد از ظهر اجتماعات بزرگ و مستقل کارگری در نقاط مختلف از جمله در پاساژ عزتی کارخانه پوشاک، کارخانه شاهو، 300 نفر از زنان مبارز و انقلابی در یکی از محلات شهر، کارگران قناد و خانواده های کارگری برگزار گردید.

بزرگترین مراسم گرامیداشت روز کارگر در سال 66 گردهمایی کارگران در پاساژ عزتی بود: ساعت 2 بعد از ظهر مراسم با یک دقیقه سکوت به خاطر کارگران جان باخته شیکاگو و دیگر کارگران شروع شد و بعد از پیام هیئت برگزاری مراسم، چندین کارگر در مورد ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری مانند اتحادیه و سندیکا، کار طاقت فرسا و ضرورت کاهش ساعت کار روزانه و ممنوعیت کار برای کودکان، آماده نمودن تسهیلات لازم برای پرورش فرزندان کارگران از سوی دولت، بیمه بیکاری و نبود امنیت شغلی در کارگاههای خصوصی، مشقات ناشی از جنگ ایران و عراق و شعار قطع جنگ، سخنرانیهایی توسط کارگران انجام گرفت، در میان سخنرانیها سرود و نمایشنامه برگزار میشد و در آخر کارگران قطعنامه ای 17 ماده ای را تصویب نمودند.

مراسم در ساعت 6 عصر با شعارهای کارگری و شاد باش روز اول ماه مه و زنده باد حزب کمونیست ایران به پایان رسید.

در سال 67 اول مه در شرایطی برگزار گردید، که جنگ ایران و عراق ادامه داشت و جمهوری اسلامی با تبلیغات جنگی اش و با براه انداختن گشتیهای کمیته و ثارالله جهت شکار جوانان به بهانه سربازگیری و بهانه های دیگر و بار دیگر مانورهای ضد کارگری و ضد انسانی سعی در ایجاد فضای رعب و وحشت نموده تا بلکه روحیه مبارزاتی توده های کارگر را پایین بیاورد و از برگزاری مراسم مستقل کارگران جلوگیری کند.

از چند روز قبل از اول ماه مه، سراسر شهر و محلات و مراکز کارگری آن سیمای دیگری داشت که همگی حاکی از تدارک و کسب آمادگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه بود، تراکتهای و نشریات حزب کمونیست در سطح شهر از روزهای قبل از مراسم در همین زمینه پخش شده بود.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

سر انجام در روز اول مه در شهر سنندج و اطراف آن مراسمهای متعددی در گرامیداشت روز همبستگی جهانی کارگران در چند محله شهر از جمله خیابان مردوخ، سیروس، حاجی اباد، کانی کوزه له، گلشن، تققان، عباس اباد، شریف اباد و کانی ماما تکه و بیرون شهر در دامنه ابیدر و میتینگی در سالن دبیرستان رنج اوری (رازی سابق) برگزار گردید.

یک هفته قبل از روز اول ماه مه نمایندگان کارگران به اداره کار مراجعه میکنند و جایی را برای برگزاری مراسم آنان میخواهند که معرفی میکنند، بعد از کارشکنی زیاد و تحت اجبار عاقبت سالن دبیرستان رازی سابق واقع در خیابان وکیل را معرفی میکنند.

با وجود تاخیری که آگاهانه از جانب اداره کار جهت معرفی مکان مراسم صورت گرفت، از ساعت 1 بعد از ظهر تا ساعت 3 بعد از ظهر هزاران تن از کارگران و زحمتکشان در آنجا جمع شدند.

مراسم در ساعت 3 بعد از ظهر با خوشامدگویی به حاضرین از جانب مجری، با سرود و یکدقیقه سکوت بیاد کارگران شیکاگو و دیگر کارگران جانباخته و مبارز، مراسم شروع شد.

پوسترها و تراکتهای زیادی در اطراف محل مراسم و در سالن نصب شده بود از شعارهای روی این تراکتها از جمله اینها بود: کارگران جهان متحد شوید، ما کارگران و زحمتکشان کردستان پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران و زحمتکشان فلسطین اعلام میداریم، ما کارگران کردستان بمباران و موشک باران شهرها را محکوم میکنیم، چاره ستمدیدگان وحدت و تشکیلات است و.....

در طول مراسم جدا از اجرای سرود و نمایشنامه 3 نفر از کارگران در مورد 40 ساعت کار و دو روز تعطیلی در هفته، و بیمه بیکاری برای کلیه افراد بیکار زن و مرد بالاتر از 18 سال سخن گفتند.

نماینده ای از طرف اداره کار جهت شرکت در مراسم به محل آمده بود و جرات آمدن به میان کارگران را نداشت و ابتدا قصد سخنرانی در مراسم را داشت اما از زمانیکه اوضاع را بر وفق مراد خود ندید از سخنرانی صرفنظر کرد و آنجا را ترک کرد. یکی از کارگران در سخنانش اشاره به نماینده اداره کار کرد و گفت: امروز، روز ما کارگران است و هیچ نماینده دولت و اداره کار نمی تواند در این مراسم دخالت کند.

اول مه سال 68 از مدتی قبل از فرارسیدن اول مه در تدارک گرامیداشت، تراکت و اطلاعیه وسیعاً در سطح شهر پخش گردید. در این تراکتها از کارگران خواسته شده بود تا در روز کارگر کار را تعطیل کنند، مراسم و جشن مستقل خود را بر پا دارند و مراسم دولتی را بطور یکپارچه تحریم نمایند.

با نزدیک شدن اول مه سراسر شهر و محلات و مراکز کارگری سیمای دیگری بخود گرفته بود و شور و شوق و شادی در همه جا موج میزد. همه چیز حاکی از این بود که امسال مراسم اول مه، با شکوه بسیار برگزار خواهد شد.

این اوضاع نیروهای رژیم و عوامل او را به تقلا و دست و پا زدن انداخت، از یک طرف بر شمار واحد های گشتی خود در سطح شهر و مانور دادن آنان افزود و از طرفی دیگر صبح روز 11

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سنندج

اردیبهشت یک مراسم فرمایشی در محل ا مفی تئاتر دانشگاه رازی راه انداخت که با تحریم یکپارچه کارگران روبرو شد و کارگران خود بعد از ظهر روز یازدهم اردیبهشت ضمن تعطیل کردن کار ، علاوه بر بزرگترین مراسم کارگری در سالن ورزشی تختی ، دهها مراسم جشن و سرور در میان جمعها و محافل مختلف کارگران به پا کردند.

کارگران سنندج در شرایطی سالن ورزشی تختی را به صحنه نمایش قدرت متحد خود تبدیل کردند که پیش از آن توانسته بودند همه موانع ، سنگ اندازیها و تحدیدات اداره کار سنندج را با دقت و هوشیاری خنثی کنند . کارگران به اداره کار مراجعه کردند تا محلی را برای مراسم شان بگیرند . زمانی که عوامل رژیم از کشاندن کارگران به مراسم دولتی سرخورده شده بودند ، کوشیدند تا با سنگ اندازی از برگزاری مراسم مستقل کارگری جلوگیری کنند . از جمله گماشتگان جمهوری اسلامی در اداره کار اعلام داشتند که ان زمان مکان را برای مراسم در اختیار کارگران قرار خواهند داد که مشخصات کامل سخنرانان را به آنها تحویل دهند . اما کارگران به این شرایط اداره کار گردن نگذاشتند و کشمکش بین کارگران و اداره کار در این رابطه تا ظهر روز 11 اردیبهشت ادامه یافت . در این حین کارگران که میدانستند رژیم تسلیم نخواهد شد ، تصمیم گرفتند که خودشان راسا محلی را برای برگزاری مراسم تعیین کنند و در این مودر سالن ورزشی تختی را انتخاب کردند . این خبر به سرعت در میان کارگران شهر پیچید ، کارگران در ساعت یک بعد از ظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت در آمدند.

ساعت سه بعد از ظهر کارگران درب سالن را باز کردند و سالن را در اختیار خود گرفتند و به تزیین و نصب تراکت و پلاکارها اقدام نمودند روی بعضی از پلاکارها این شعارها به چشم میخورد : کارگران جهان متحد شوید ، ما کارگران کردستان پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران فلسطینی اعلام می داریم ، راه ما در اتحاد ماست ، روی پلاکارها که با ستاره سرخ تزیین شده بود امضاء کارگران ساختمانی ، کارخانه شاهو ، کارگران صنعتی و ... به چشم میخورد.

ساعت 3 بعد از ظهر در حالیکه هزاران زن و مرد در داخل و اطراف سالن اجتماع کرده بودند ، در میان شور و شوق استقبال حاضرین مراسم آغاز شد . در ابتدا یکی از کارگران به شرکت کنندگان خوش آمد گفت . سپس به احترام کارگران جانباخته شیکاگو و همه جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام گردید و سخنرانان یکی پس از دیگری صحبت کردند.

نفر از کارگران سخنرانی کردند و یکی از کارگران در باره برگزاری اول مه توسط کارگران ، از جمله چنین گفت : این روز برای ما کارگران فرصتی است تا قدرت متحد کارگران را به نمایش در آوریم و این واقعیت را اثبات کنیم که همه ثروت های این جهان حاصل کار ماست.

دیگر سخنرانان حول ضرورت ایجاد برپایی اجتماعات و تشکل های کارگری و برپایی شورا و مجمع عمومی و امکان پذیر بودن ان با تکیه به نیروی کارگران ، بیمه بیکاری و اشتغال ، ستم و تبعیضی که در جامعه بر زنان اعمال میشود و وظیفه کارگران برای بدست آوردن برابری زنان در همه عرصه های کار و زندگی اجتماعی ، و کارگر 15 ساله ای در باره کار کودکان و جوانان کمتر از 18 سال و اینکه چگونه سرمایه داران از تنگدستی خانواده های کارگری برای استثمار فرزندانشان استفاده میکنند ، هر کدام صحبت کردند.

تاریخچه مختصری از نحوه شکل گیری کارگران سندج

در طول مراسم و در فاصله سخنرانی ها چند نفر از کارگران با خواندن سرود و ترانه شور و شوق بیشتری به مراسم بخشیده بودند . مراسم با خواندن سرود آتش سرخ از جانب یکی از کارگران و هم اوایی طنین انداز سایر کارگران خاتمه پیدا کرد . بعد از تمام شدن مراسم هزاران زن و مرد در حالیکه شعار میدادند با نظم و ترتیبی کم نظیر از کوچه ها مسیر سالن تختی تا خیابان شهدا (فرح سابق) به راهپیمایی پرداختند.

در قسمت پایانی مراسم قطعنامه ای 23 ماده ای قرائت شد و ضمن تایید ان از طرف کارگران متن چاپ شده ان نیز در میان کارگران توزیع میشد . در زیر چند بند از این قطعنامه 23 ماده ای که به امضاء کارگران کردستان بود را میاوریم:

- 1= ما خواهان برسمیت شناختن و تعطیلی 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر هستیم.
- 2= ما خواستار به رسمیت شناختن تشکلهای کارگری ، اعم از شورا ، سندیکا ، و اتحادیه و کمیته حل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان با حضور نمایندگان واقعی کارگران میباشیم.
- 3= زنان نصف جامعه را تشکیل میدهند ، ما کارگران کردستان برابری حقوق کامل مردان و زنان در مقابل کار برابر در کلیه شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هستیم.
- 4= ما خواستار افزایش دستمزد کارگران با توجه به بالا رفتن تورم و هزینه خانواده پنج نفره هستیم.
- 5= ما خواستار ایجاد بیمه بیکاری برای تمام بیکار اماده بکار اعم از زن و مرد بالاتر از سن 18 سال هستیم.
- 7= ما خواستار ممنوعیت هر گونه اخراج و پایین آوردن دستمزدها از طرف کارفرمایان به بهانه های مختلف میباشیم.
- 8= همانطور که میدانید باعث اصلی فساد و فحشا و اعتیاد ، فقر و بیکاری در جامعه است ، ما خواستار ایجاد کار مناسب برای کلیه زنان و مردان بالاتر از 18 سال میباشیم.
- 9= ما کارگران کردستان پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات کارگران جهان در راه به ثمر رسانیدن خواسته های بر حق خود اعلام می داریم.